

متن پیاده سازی شده جلسه دوازدهم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 8 آبان 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که ما در امر سوم بودیم؛ عرض شد که برخی امور باید روشن شود تا بتوانیم به قراری معین برسیم . امر سوم راجع به ادله کارایی سندی طرفداران شهرت بود عرض شد که برخی از این ادله ، بحث چندانی ندارد مثل روایت مرسله زراره یا جریان اولویت یا تمسک به آیه نبا و... اما دو دلیل جای بحث دارد یکی روایت مقبوله ابن حنظله است و دیگری اصول متلقاه (کلام آقای بروجردی) است.

در مورد روایت ابن حنظله برخورد اصولیین متفاوت بود برخی گفتند این روایت، شهرت روایی را بیان می کند برخی قائل شدند که مقبوله، نظر به مشهور فتوایی دارد برخی گفتند از تعلیل روایت می توان استفاده کرد بر هر امری که لا ریب فیہ است شخص دیگری گفت این روایت نظر به باب مرجحات دارد؛ دیگری گفت این روایت برای تمییز حجت از لا حجت است و لذا مقبوله ربطی به مرجحات ندارد؛ و....

این روایت هم در کافی هم در تهذیب هم در من لایحضرالفقیه و... ذکر شده است اما من متن فقه را ذکر می کنم چون روایت جمع و جور تر است.

من لا یحضره الفقیه؛ ج3 ص 8

رَوَى دَاوُدُ بْنُ الْحَصِينِ عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ 4 عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع (عرض شد که ما سند این روایت را پذیرفتیم)
قَالَ قُلْتُ فِي رَجُلَيْنِ اخْتَارَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا رَجُلًا فَرَضِيًّا أَنْ يَكُونَا النَّاطِرَيْنِ فِي حَقِّهِمَا فَاخْتَلَفَا فِيمَا حَكَمَا وَ كِلَاهُمَا اخْتَلَفَ فِي حَدِيثِنَا (ببینید دوستان فضای بحث این است که دو نفر اختلاف مالی دارند و هر کدام می روند پیش یک نفر - مراد از رجلین هم عالم شیعه است - و آن دو عالم هم قضاوت متفاوت کردند و هر دو هم قضاوتشان را مستند به احادیث شما اهل بیت می کنند)
قَالَ الْحُكْمُ مَا حَكَمَ بِهِ أَعْدَلُهُمَا وَ أَفْقَهُهُمَا وَ أَصْدَقُهُمَا فِي الْحَدِيثِ وَ أَوْرَعُهُمَا وَ لَا يَلْتَفِتُ إِلَيَّ مَا يَحْكُمُ بِهِ الْآخَرُ - 1 (حضرت سنجه اول را صفات قاضی قرار دانند)

قَالَ قُلْتُ (پرسش دوم) فَإِنَّهُمَا عَدْلَانِ مَرْضِيَّانِ عِنْدَ أَصْحَابِنَا لَيْسَ يَتَفَاضَلُ وَاحِدٌ مِنْهُمَا عَلَى صَاحِبِهِ

(گفت آقا جان شما سنجه ای می دهید که ما متوجه نمی شویم هر دو قاضی ، این صفات را دارا هستند) قَالَ فَقَالَ يُنْظَرُ إِلَيَّ مَا كَانَ مِنْ (یعنی به روایت این دو نفر از ما نظر شود) رَوَايَتِهِمَا عِنَّا فِي ذَلِكَ الَّذِي حَكَمَا بِهِ الْمُجْمَعُ عَلَيْهِ (ال المجمع به جای الذی نشست است و خبر کان است) أَصْحَابُكَ فَيُؤْخَذُ بِهِ مِنْ حُكْمِنَا وَ يَتْرَكَ الشَّأْدُ الَّذِي لَيْسَ بِمَشْهُورٍ عِنْدَ أَصْحَابِكَ فَإِنَّ الْمُجْمَعُ عَلَيْهِ حُكْمُنَا لَا رَيْبَ فِيهِ (رای ما اهل بیت به روی امر مجمع علیه رفته است) وَ إِنَّمَا الْأُمُورُ ثَلَاثَةٌ أَمْرٌ بَيْنَ رُشْدِهِ فَمَتَّبِعْ (امری که صلاحش آشکار است باید تبعیت شود) وَ أَمْرٌ بَيْنَ غِيهِ (گمراهی اش) فَمُجْتَنَبٌ وَ أَمْرٌ مُشْكِلٌ يَرُدُّ حُكْمَهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص حَلَالٌ بَيْنَ وَ حَرَامٌ بَيْنَ وَ شُبُهَاتٌ بَيْنَ ذَلِكَ فَمَنْ تَرَكَ الشُّبُهَاتِ نَجَا مِنَ الْمُحْرَمَاتِ وَ مَنْ أَخَذَ بِالشُّبُهَاتِ ارْتَكَبَ الْمُحْرَمَاتِ وَ هَلَكَ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُ -

قُلْتُ (پرسش سوم) فَإِنَّ كَانَ الْخَبْرَانِ عَنْكُمْ مَشْهُورَيْنِ قَدْ رَوَاهُمَا التِّقَاتُ عَنْكُمْ (سنجه دومی که شما فرمودید همه جا جواب نمی دهد آقا جان) قَالَ يُنْظَرُ فَمَا وَافَقَ حُكْمَهُ حُكْمَ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ وَ خَالَفَ الْعَامَّةَ أُخِذَ بِهِ قُلْتُ (از اینجا به بعد برای باب تعادل و تراجیح است و ربطی به بحث ما ندارد) جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ جَدْنَا أَحَدَ الْخَبْرَيْنِ مُوَافِقًا لِلْعَامَّةِ وَ الْآخَرَ مُخَالَفًا لَهَا بِأَيِّ الْخَبْرَيْنِ يُؤْخَذُ قَالَ بِمَا يَخَالَفُ الْعَامَّةَ فَإِنَّ فِيهِ الرَّشَادَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَإِنَّ وَافَقَهُمَا الْخَبْرَانِ جَمِيعًا - قَالَ يُنْظَرُ إِلَيَّ مَا هُمْ إِلَيْهِ أَمِيلُ حُكْمُهُمْ وَ قُضَاتُهُمْ فَيُتْرَكَ وَ يُؤْخَذُ بِالْآخَرِ قُلْتُ فَإِنَّ وَافَقَ حُكْمُهُمْ وَ قُضَاتُهُمُ الْخَبْرَانِ جَمِيعًا قَالَ إِذَا كَانَ كَذَلِكَ فَأَرْجِهْ 1 حَتَّى تَلْقَى إِمَامَكَ فَإِنَّ

قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، 4 جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، دوم، 1413 هـ ق
در این روایت چند سوال وجود دارد.

1: آیا روایت نظر به حدیث مشهور دارد؟ یا نظر دارد به حدیث مشهور در فتوا؟

2: مراد از مشهور چیست؟

3: مراد از مجمع علیه چیست؟

4: آیا حدیث سنجه ترجیح را ذکر می کند یا برای تمییز حجت از لا حجت است؟

5: آیا ما لیس بمشهور، مصداق بین الغیه است یا مصداق مشتبه است؟

آنچه که به نظر می رسد این است که امام علیه السلام در جواب دوم ابن حنظله می فرماید؛ دو قاضی که با هم اختلاف دارند ببینید حدیث کدامیک از این دو مجمع علیه است و اصحاب پذیرفته اند کلام او را اخذ کن اما کسی که روایت شاذ می گوید کلام او را قبول نکن.

استاد: من ترجیح می دهم که روایات دیگر را هم ببینیم تا از تفسیر مجمع علیه مطلع شویم.

یک روایتی از حضرت کاظم علیه السلام نقل می کنیم؛ حضرت در جلسه مناظره که داشتند و هارون هم حاضر بود مطلبی مطرح شد حضرت فرمود جمیع امور الادیان اربعه؛ امر لا اختلاف فیها و هو اجماع الامه علی الضروره التي یضطر الیها، والاخبار المجمع علیها وهو الغایه المعروض علیها کل شبهه و المستنبط منها کل حادثه، امر یحتمل الشک و الانکار فسیبيله استیضاح اهله....

امام علیه السلام می خواهند به هارون بگویند شما اتفاق را رها کرده اید (تنها کسی که همه برخلافتش اتفاق کردند خلافت امیر المومنین علیه السلام بود) در این روایت مجمع علیه به غایت و خط نهایی تعریف شده است.
به نظر می رسد شهرت باید به واضح تفسیر شود؛ امام علیه السلام می فرماید مشهور آن خبری است که همه می پسندند.

و الحمد لله رب العالمین